



THE MESSAGE OF  
THE CROSS

For Children & Youth

پیام صلیب برای کودکان و نوجوانان

in English and  
Dari

به زبان انگلیسی و دری

Maria T. Nagel



YouTube: [https://www.youtube.com/channel/UCen8re18TEWkN9yjP\\_1JBkA/playlists](https://www.youtube.com/channel/UCen8re18TEWkN9yjP_1JBkA/playlists)

Facebook: <https://www.facebook.com/maria.hebga>

Instagram: <https://www.instagram.com/mariagrace333/>

PayPal: [PayPal.Me/MariaTNagel](https://www.paypal.com/paypalme/MariaTNagel)

# The Message of The Cross for Children and Youth

## DARI

© 2020 by Maria T. Nagel

All rights reserved. No portion of this book may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form or by any means, except for brief quotations in printed reviews, without prior permission from the author. Requests for information should be addressed to the author:

blessed-books@outlook.com  
www.iBless.it

Text and Illustrations by Maria T. Nagel  
Book conception, design and creation by Maria T. Nagel  
Self-published through Blurb, Inc. 2020

Dari translation by Ebrahim Tahassoni.

### DISCLAIMER

The featured images are artistic expressions of the illustrator and therefore not intended to be used as religious objects of worship or veneration.

سلب مسئولیت

تصاویر ارائه شده، بیان هنری از تصویرگر هستند و به همین دلیل قصد آن نبوده که به عنوان اشیاء مذهبی پرستش یا نیایش کردن استفاده شوند.



A very long time ago Father God was sitting on his throne in heaven with a concerned look on his face. His only Son, Jesus, bowed before him and asked,

"Father, what is the matter?" Father God answered,

"Oh, my beloved Son, my heart hurts whenever I look down from heaven and see the people on earth doing bad things."

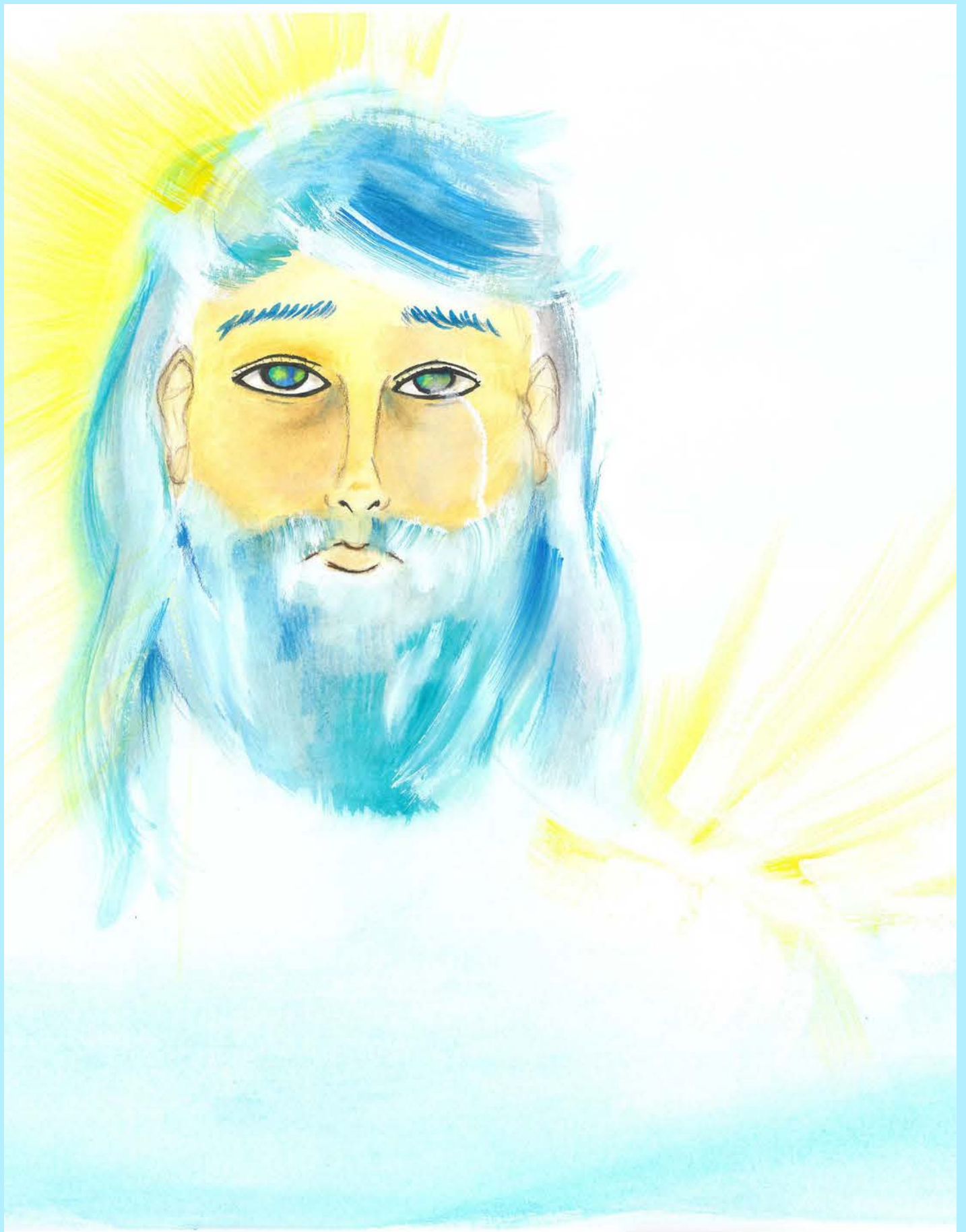
Jesus nodded. "I know it brings you great pain, Father."

خیلی وقت پیش، خدای پدر با یک نگاه نگران در صورتش روی تخت پادشاهی خودش تو آسمون نشسته بود. تنها پسر او، عیسی، به او تعظیم کرد و پرسید:

"پدر، مشکل چیه؟" خدای پدر جواب داد:

"اوه، پسر عزیزم، قلب من هر وقت که از آسمان به پایین نگاه میکنم درد میگیره و مردم رو روی زمین می بینم که کارهای بدی میکنن".

عیسی سرش رو تکون داد "من می دانم اون درد زیادی به شما میده، پدر."



"Some of them believe I don't even exist."

A single tear trickled down Father God's cheek.

"It breaks my heart even more to know many of them will not come and live with me in heaven when their time on earth ends."

"The people on earth know what is good but always seem to choose what is bad," Jesus replied. "We have already sent so many messengers to talk to them."

"I know, my Son. Many of them love darkness more than light."

Father God brushed the tears from his eyes.

"بعضی از آنها معتقدند که من حتی وجود ندارم."

یک قطره اشک از چشم های خدای پدر ریخت.

"این قلب من را حتی بیشتر میشکند زمانی که می دانم که بسیاری از آنها نمی آیند و در بهشت با من زندگی نخواهند کرد زمانی که وقتشان بر روی زمین به پایان می رسد."

عیسی پاسخ داد: "مردم بر روی زمین می دانند که چه چیزی خوب است اما همیشه به نظر می رسد که آنچه را که بد است انتخاب میکنند." "ما قبلا فرستاده های بسیاری را برای گفتگو با آنها فرستاده ایم."

"من می دانم، پسر من. بسیاری از آنها تاریکی را بیش از روشنایی دوست دارند."

خدای پدر اشک هایش را از چشمانش پاک کرد.





"Father, your prophets have told them how much you love them and that you can help them, no matter what problem they are facing."

Jesus thought for a moment in silence and then continued.

"They were also warned that bad behavior must be punished, but even with all this they refuse to change. What else can we do? "

**"پدر، پیامبران شما به آنها گفته اند که چقدر آنها را دوست دارید و می توانید به آنها کمک کنید بدون توجه به مشکلی که دارند."**

**عیسی برای لحظه ای در سکوت فکر کرد و سپس ادامه داد.**

**"آنها نیز هشدار دادند که رفتار بد باید مجازات شود، اما حتی با تمام اینها، آنها از تغییر پرهیز میکنند. دیگر چه کاری می توانیم انجام دهیم؟"**

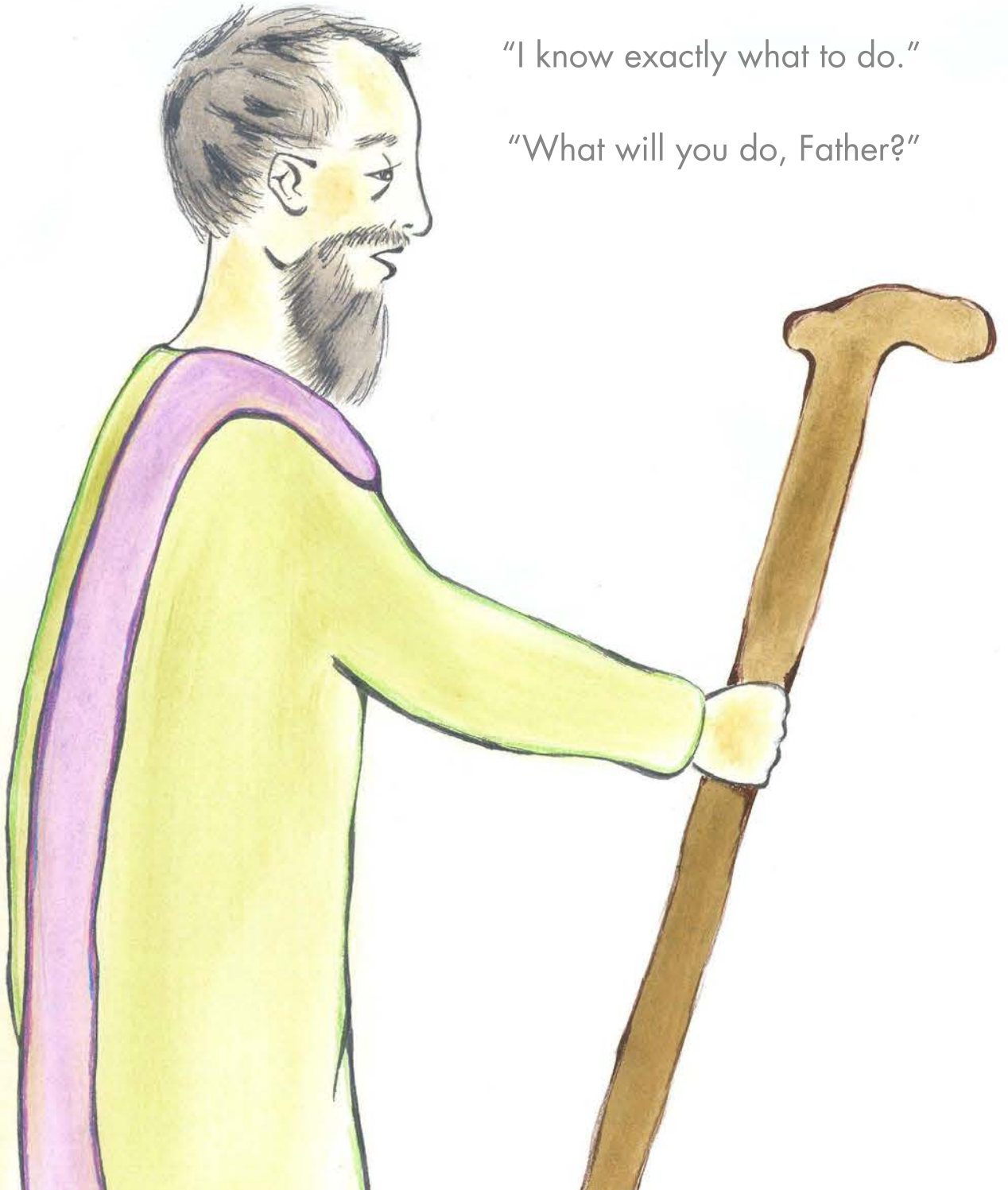
"Should we send another messenger?" Jesus asked.

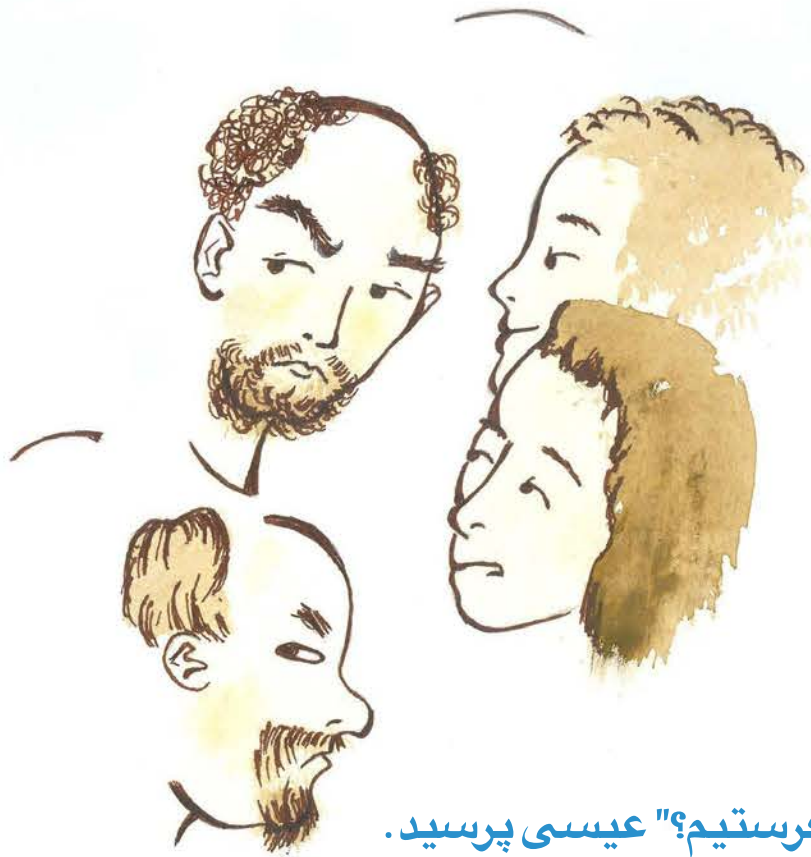
"I don't want to send messengers every year."

Father God held up one finger.

"I know exactly what to do."

"What will you do, Father?"





"آیا ما باید رسول دیگری بفرستیم؟" عیسی پرسید.

"من نمی خواهم هر سال پیامبران را بفرستم."

خدای پدر یک انگشت را بالا گرفت.

"من دقیقا می دانم چه باید بکنم."

"پدر شما چه خواهید کرد؟"

"I will do something new. Instead of only saving a few, I will save all the nations of the world."

"How Father?" Jesus asked.

"I need someone who is willing to be punished for the sins of the entire world."

Jesus peered deeply into his Father's eyes. "I think I understand your plan."

"It must be someone I deeply trust. Someone who is innocent and pure like a spotless lamb."



"من کاری جدید انجام میدهم. به جای نجات تعدادی کم، من تمام کشورهای جهان را نجات خواهم داد."

"پدر، چگونه؟" عیسی پرسید.

خدا گفت: "من نیاز به کسی دارم که حاضر باشد برای گناهان کل دنیا مجازات شود."

عیسی عمیقا در چشمان پدرش نگاه کرد. "من فکر می کنم طرح شما را درک می کنم."

"او باید کسی باشد که من عمیقانه به او اعتماد داشته باشم. کسی که بی گناه و خالص مانند یک بره بی قرار است."



"Father, send me."

Jesus knelt before his Father and pleaded,

"Let me be the Lamb who will take away their sins."

The sad look on God's face completely disappeared and was replaced by a smile.

"Oh, my Son, my heart is now rejoicing! I will send you. Whoever listens to you and repents of their sins, will be forgiven."

"پدر، مرا بفرست."

عیسی نزد پدرش زانو زد و درخواست کرد،

"اجازه بدهید من بره ای باشم که گناهانشان را می برد."

نگاه غم انگیز از چهره خدا به طور کامل ناپدید شد و با یک لبخند جایگزین شد.

"اوه، پسر من، قلب من الان شاد است! میفرستم. هر کس به تو گوش دهد و از گناهانشان توبه کند، بخشیده خواهد شد."





“And we will build them beautiful homes where they can live with us forever.”

Jesus threw his arms around his Father’s neck.

“Oh, Father, you are so good and make the unthinkable possible.”

After a long hug, Father God said,

“Now listen, my Son. Because you will receive the punishment for the people of this generation and all the generations to come, the punishment will be very painful.”

“و ما برای آنها خانه های زیبا میسازیم جایی که در آن آنها می توانند با ما برای همیشه زندگی کنند.”

عیسی دست هایش را در گردن پدرش انداخت.

“ای پدر، تو خیلی خوب هستی و غیر قابل تفکر را امکان پذیر میسازی.”

بعد از یک آغوش طولانی، خدای پدر گفت:

“حالا گوش کن، پسر من. چون مجازات مردم این نسل و نسل های آینده را دریافت خواهی کرد، مجازات بسیار دردناک خواهد بود.”

"I think I understand the price."

Jesus stared through the portals of heaven and caught a glimpse of the earth.

"I will also be punished for the sins of those who will be born in the future and do bad things in the future?"

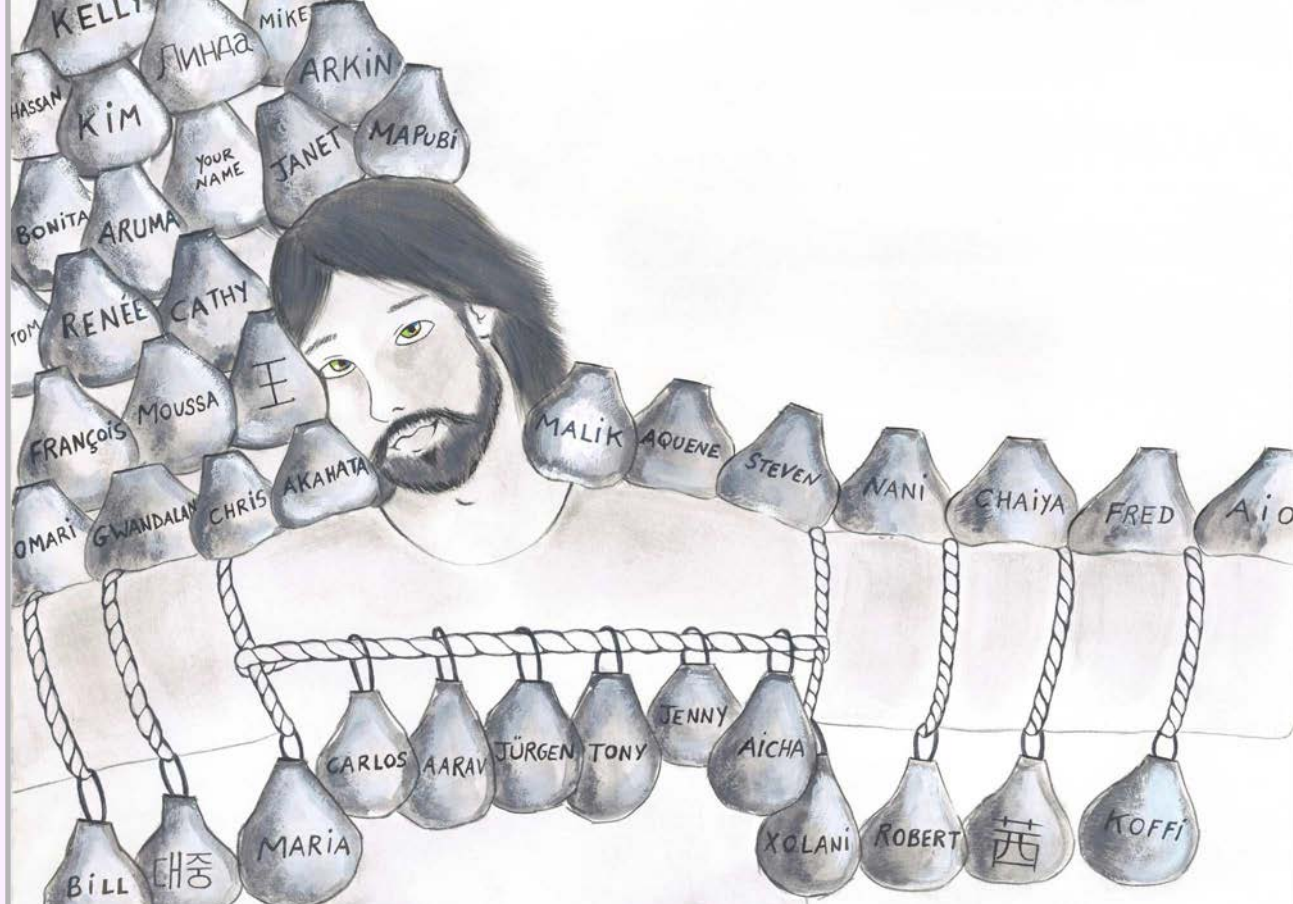
"Yes, that's correct, my Son."

Father God placed his arm around Jesus's shoulder.

"You must also become a human being like them. It is the only way to teach them what they need to learn."

"Yes, Father."

Jesus thought of all the people in need of his Father's help. Then he asked,



"من فکر می کنم که هزینه اش را درک می کنم."

عیسی از طریق دروازه های بهشت نگاه کرد و یک نگاه کلی به زمین انداخت.

"من برای گناهان کسانی که در آینده متولد می شوند و در آینده کار بد میکنند نیز مجازات می شوم؟"

"بله، درست است، پسر من."

خدای پدر بازوی خود را در اطراف شانه عیسی قرار داد.

"تو همچنین باید به یک انسان مانند آنها تبدیل شوی. این تنها راهی است که به آنها چیزی که نیاز دارند یاد بگیرند را بیاموزی."

"بله پدر."

عیسی به تمام افرادی که به کمک پدر او نیاز دارند فکر کرد. سپس پرسید،



"Father, may I ask how I will be punished?"

Father God clutched Jesus's hands and answered,

"My beloved Son, your body will go through a lot of pain."

God pointed to Jesus's hands and feet.

"Your hands and feet will be nailed to a cross."

"I understand. I must be wounded so they can be healed." Jesus looked at his hands.

"پدر، ممکن است بپرسم چگونه مجازات خواهم شد؟"

خدای پدر دستهای عیسی را گرفت و جواب داد،

"پسر عزیز من، بدن تو به درد و رنج فراوانی خواهد رسید."

خدا به دست و پاهای عیسی اشاره کرد.

"دست و پاهای تو بر روی صلیب میخکوب می شوند."

"من میفهمم. من باید زخمی شود تا آنها بتوانند شفا بگیرند." عیسی به دستانش نگاه کرد.



"You will die a painful death on a cross."

"I must go through pain, so their pain can be taken away and I must be nailed to a cross, so their sins can be nailed to the cross."

"That's right and three days after your death, I will raise you back to life."

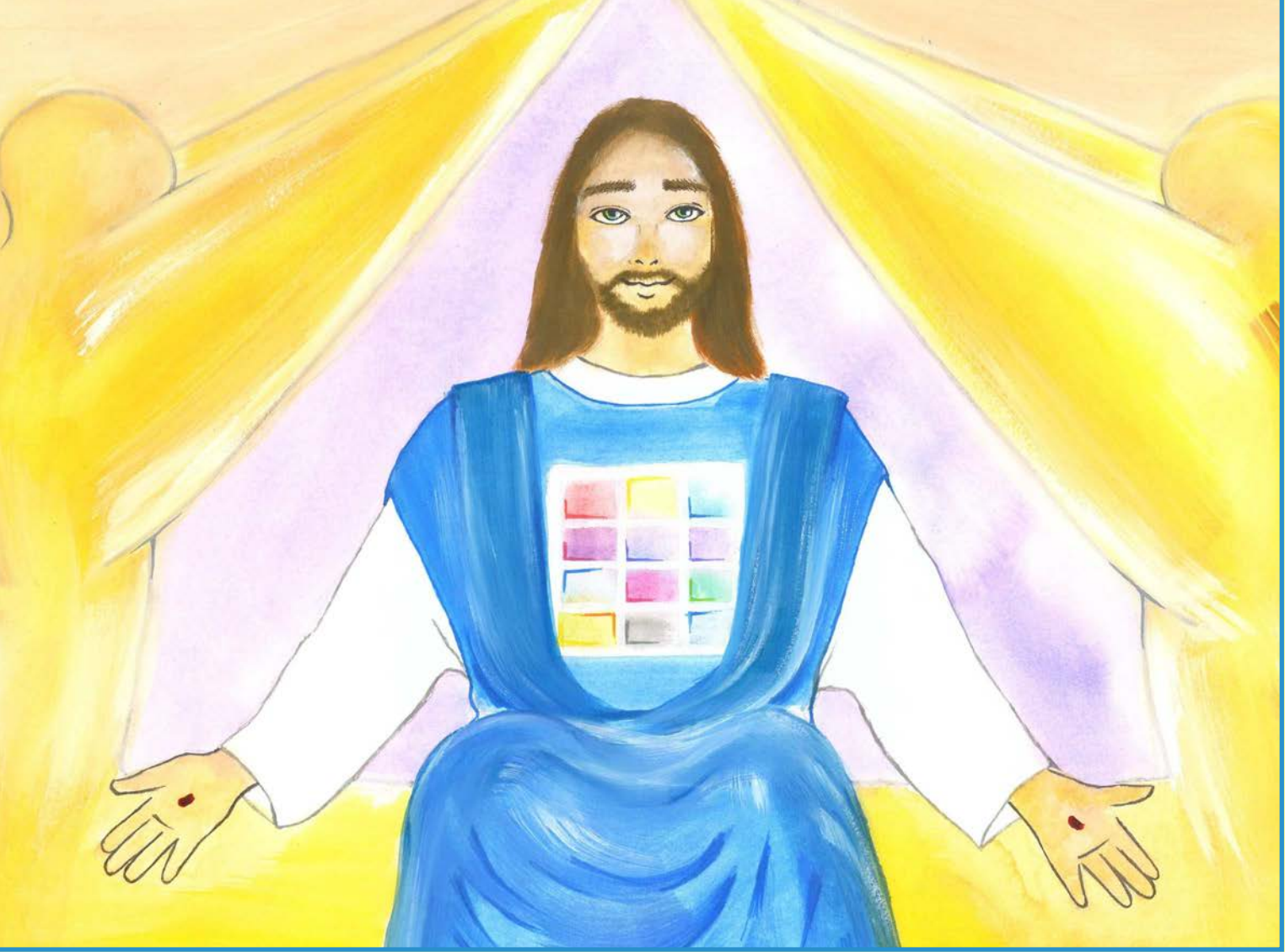
"I will be raised back to life, so they can have a new life."

**"تو به مرگی دردناک بر روی صلیب خواهی مرد."**

**"من باید درد بکشم، تا درد آنها بتواند دور شود و من باید به صلیب میخکوب شوم، تا گناهانشان بتواند به صلیب میخکوب شوند."**

**"درست است و سه روز پس از مرگ تو، من تو را به زندگی بازمیگردانم."**

**"من به زندگی باز خواهم گشت، تا آنها بتوانند یک زندگی جدید داشته باشند."**



JESUS LOVES YOU



Father God lifted his arms triumphantly.

“And you will live forever so they can live eternally as well!  
The cross will then become a symbol of my love and hope  
for all humanity.

The cross will also become a symbol for you—Jesus the  
Messiah, who comes to give, heal, and restore.”

**خدای پدر دستان خود را با خرسندی برداشت و گفت:**

**"و تو برای همیشه زندگی خواهی کرد تا آنها هم بتوانند ابدی زندگی  
کنند! سپس صلیب یک نماد عشق و امید من برای همه بشریت خواهد  
شد. صلیب نیز نماد تو خواهد شد - عیسی مسیح، که می آید که  
بدهد، شفا دهد و بازگرداند."**



Readers will get a peek behind the scenes of heaven into Father God's tender heart when he visits with his only son about a plan to redeem the people he loves so much. The children will have a deeper understanding about Jesus's mission to teach, heal and save us, so we can one day live with him forever in heaven.

This Christian picture book is a wonderful resource for families, churches, Sunday schools, homeschoolers, and Christian educators hoping to teach the young generation about Jesus's death on the cross.

The inspirational Christian art hits the heart and beautifully complements the truth the book delivers.

خوانندگان صحنه‌هایی از بهشت را از قلب لطیف خداوند پدر میبینند زمانی که او در مورد برنامه‌ای برای رهایی مردمی که آنها را دوست دارد، فکر کرد. بچه‌ها درک عمیق‌تری درباره مأموریت عیسی مسیح برای آموزش، شفا و نجات ما خواهند داشت، بنابراین ما می‌توانیم یک روز با او در آسمان تا ابد زندگی کنیم.

این کتاب عکس مسیحی یک منبع فوق‌العاده برای خانواده‌ها، کلیساها، مدرسه‌های یکشنبه، دانش‌آموزان محصل در خانه و آموزگاران مسیحی است که امیدوارند نسل جوان را در مورد مرگ عیسی بر روی صلیب آموزش دهند.

هنر الهام‌بخش مسیحیت به قلب رخنه می‌کند و به زیبایی حقیقتی که کتاب ارائه می‌دهد را کامل می‌کند.